

راهبردها و راهکارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مواجهه با مخالفان از منظر مجمع البیان

سیدسجاد جعفری^۱
فرشید لاری منفرد^۲
سجاد پابی^۳

چکیده

چگونگی تعامل و تقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با مخالفان خویش همواره یکی از مسائل بحث برانگیز در تاریخ اسلام بوده است. در دوره معاصر برخی از پژوهشگران به ویژه برخی از شرق شناسان، برخوردهای قهرآمیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با بعضی از مخالفانش را برجسته کرده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به خشونت گرای متهم کرده اند. افزون بر منابع تاریخی، مهمترین و موثق ترین منبع برای بازشناسی رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ارتباط با مخالفان، آیات قرآن و تفاسیر و روایات مرتبط با آن آیات است. در این میان مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تألیف ۵۳۶) از مهمترین و جامع ترین تفاسیر است. این تفسیر به جامعیت و انصاف در بررسی آرا مختلف مشهور است. از این رو مقاله حاضر با تکیه بر تفسیر مجمع البیان به تحلیل و بررسی دقیق سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مواجهه با مخالفان (مشرکان، اهل کتاب و منافقان و مانند اینها) پرداخته است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که شیوه مواجهه رسول خدا با مخالفین مبتنی بر چه اصولی بوده است؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مواجهه با مخالفان بر اساس دو راهبرد اصلی تعامل با مخالفان و تقابل با معاندان (دشمنان) استوار بوده و آن حضرت در راستای این دو راهبرد اصلی از راهکارهای مختلفی نیز در برخورد با مخالفین و معاندین اسلام بهره برده است. این راهکارها با توجه به ماهیت متفاوت اقدامات مخالفان و معاندان اسلام متفاوت بوده است.

کلیدواژه ها: رسول خدا، طبرسی، مجمع البیان، مشرکان، منافقان.

-
۱. مدرس گروه معارف دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول). sayyedjafari313@gmail.com
 ۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان. farshid.lari.th@gmail.com
 ۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید چمران. sajad.papi7214@gmail.com
- تاریخ دریافت: ۰۱/۰۹/۱۷
تاریخ پذیرش: ۰۱/۱۱/۱۵

درآمد

قرآن کریم پیامبر ﷺ را اُسوه حسنه و الگویی شایسته برای انسان‌ها معرفی کرده است. از این‌رو شناخت سبک زندگی ایشان از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از جنبه‌های مهم شخصیت ایشان نحوه تعامل و تقابل آن حضرت با مخالفین فکری و عقیدتی است. جامعه عصر رسالت به‌ویژه شهر مدینه، جامعه‌ای متکثر و متنوع و ترکیبی از گروه‌های ناهمگون عقیدتی، نژادی، قومی و حتی سیاسی بود. از این‌رو شناخت سیره نظری و عملی آن حضرت در برخورد با این گروه‌های ناهمگون و به‌ویژه مخالفان (مشرکان، منافقان، و مانند اینها) اهمیت بسیاری دارد. پیامبر ﷺ در برخورد با این مخالفان به تناسب اقدامات آنان، برخوردهای متفاوتی داشتند. برخی اوقات با محبت، مدارا و صلح بسیاری از آنان را با خود همراه کردند و در پاره‌ای از مواقع نیز شیوه مبارزه و جنگ را در پیش گرفتند. در دوران معاصر، برخی پژوهشگران به‌ویژه بسیاری از شرق شناسان سعی کرده‌اند اقدامات قهرآمیز پیامبر ﷺ در برخورد با برخی از مخالفینش را برجسته و اسلام را دین شمشیر و خشونت معرفی کنند. بنابراین یکی از ضروریات عصر حاضر، بررسی رویکرد و اقدامات پیامبر ﷺ در مواجهه با مخالفان و معاندان است. بر همین اساس تحلیل سیره پیامبر ﷺ در برخورد با مخالفان از یک سو می‌تواند به ابهامات و حتی برخی از شبهات شرق شناسان و پژوهشگران همفکر آنان پاسخ دهد و از سوی دیگر می‌تواند یک الگویی اسلامی صحیح مبتنی بر سیره نبوی در اختیار مسلمانان قرار دهد، تا بر اساس آن، مسلمانان به تعامل با مخالفین فکری و عقیدتی خویش بپردازند.

پیشینه پژوهش

درباره سیره پیامبر ﷺ در مواجهه با مخالفان تاکنون مقالات متعددی نوشته شده است. سلامی (۱۳۹۵ش) در مقاله «بررسی شیوه برخورد پیامبر با منافقین» به بررسی الگوی رفتاری پیامبر ﷺ در برابر منافقان پرداخته است. مقاله «سیره مدیریتی پیامبر ﷺ در مواجهه با اهل کتاب» تألیف میریان و همکاران (۱۳۸۹ش) به سیره مدیریتی پیامبر ﷺ در مواجهه با اهل کتاب به‌ویژه یهودیان و مسیحیان پرداخته است. از دیگر پژوهش‌های مرتبط با این موضوع می‌توان به مقاله «روش شناسی برخورد پیامبر ﷺ با مشرکان و اهل کتاب» اثر عباسی مقدم (۱۳۸۹ش) اشاره کرد. مؤلف در این مقاله اطلاعات مختصری درباره روش‌های گوناگون پیامبر ﷺ در برابر مخالفان ارائه کرده است. مقاله «پیامبر و مشرکان: از چالش معرفت تا چالش هویت» نوشته ناظمیان فرد و آهنگر دارابی (۱۳۹۶ش) نیز به بررسی نحوه تعامل پیامبر ﷺ با مشرکان در زمینه فکری و عملی پرداخته است. حسین جلائی نوبری و دیگران (۱۳۹۷ش) نیز در مقاله «گونه شناسی رفتاری پیامبر اسلام با مخالفین در مکه و مدینه» به بررسی شیوه‌های مختلف رفتار پیامبر ﷺ با مخالفانش پرداخته‌اند. با این همه آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های بالا متمایز می‌کند، بررسی رویکرد و رفتار رسول خدا با مخالفینش از

دیدگاه مفسران است. لذا این پژوهش ابتدا به دسته‌بندی جریان‌های فکری و عقیدتی مخالف پیامبر اسلام ﷺ در شبه‌جزیره عربی پرداخته و سپس با استفاده از تفسیر مشهور مجمع البیان به ارزیابی راهبردها و راهکارهای گوناگون رسول اکرم در مواجهه با مخالفان پرداخته است.

مفهوم‌شناسی

۱- **راهبرد و راهکار:** راهبرد (استراتژی)، اصطلاحی نظامی است. منظور از آن ترسیم خطوط کلی برای رسیدن به یک مقصد معین مانند فتح قله یک کوه است و راهکار (تاکتیک)، هدف‌های جزئی‌تر و عملیاتی‌تری است که در راستای راهبرد، طراحی و اجرا می‌شوند. تفاوت راهبرد و راهکار در این است که راهبرد، تصمیمات کلی اختصاص دادن منابع برای تحقق اهداف است، در حالی که راهکار در رابطه با به حرکت درآوردن این منابع یعنی به اجرا گذاشتن آنهاست. به این ترتیب تصمیم‌های تاکتیکی، جزئیات تصمیم‌های استراتژیک را در برمی‌گیرند. به عبارت دیگر راهکارها، تصمیماتی در جهت استفاده مؤثر از منابع موجود و جزئیات اجرای راهبردها هستند (نصیری فقیر سمیعی، ۱۳۹۵: ۵۶).

۲- **مجمع البیان:** مجمع البیان فی تفسیر القرآن اثر امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (متوفای ۵۴۸) است. طبرسی از بزرگان مذهب امامیه، ادیبی جامع و مفسری فقیه بود که از محضر بزرگ‌ترین علمای زمان خودش از جمله شیخ ابوعلی طوسی (متوفای ۵۱۱)، شیخ ابوالوفای رازی، سید ابوطالب جرجانی و ابوالقاسم حسکانی (متوفای ۴۹۰) بهره برده بود. او سرانجام در سال ۵۴۸ در حدود نود سالگی در سبزوار درگذشت (خوانساری موسوی، ۱۳۹۰: ۳۵۹/۵). مجمع البیان یکی از تفاسیر مهم شیعه در قرن ششم است که بارها در ایران، مصر و لبنان به چاپ رسیده است. علمای شیعه و سنی به اهمیت و ارزش تفسیر مذکور در آثار خود اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال شیخ محمود شلتوت (متوفای ۱۹۶۳) از روحانیون برجسته اهل سنت در سده بیستم میلادی و مفتی اعظم الازهر در مورد مجمع البیان می‌نویسد: «این کتاب در میان کتب جامع تفسیر، نخستین و کامل‌ترین تألیفی است که توانسته است مباحث غنی و پژوهش‌های عمیق و جستجوهای جان‌فرا را با اموری همچون نظم منحصر به فرد، محافظت بر ویژگی‌های قرآن و در نظر داشتن اینکه هدف از آن خدمت به قرآن است، ارائه کند» (شلتوت، ۱۳۷۰: ۱۳-۲۵). آقا بزرگ تهرانی (متوفای ۱۳۴۸ ش، ۱۴۰۳: ۲۴/۲۰)، فقیه و کتاب‌شناس معاصر و صاحب کتاب مشهور الذریعه نیز در مورد مجمع البیان می‌گوید: «کسی مثل این تفسیر ننوشته است».

جریان‌شناسی مخالفان پیامبر ﷺ

مخالفان رسالت رسول اکرم را به طور کلی می‌توان به چهار گروه کافران، مشرکان، اهل کتاب و منافقان عمده تقسیم کرد. برای شناخت دقیق این جریان‌های مخالف ابتدا لازم است به صورت اجمالی به معرفی هر یک از اینها پرداخت تا رویکرد رسول خدا در برخورد با هر یک این جریان‌ها تبیین شود.

۱- کافران

کافران منکر خدا، معاد و نبوت بودند. کفر به معنی پوشاندن است و کافران بر وجود خدا در خود یا در پهنه هستی پوشش می‌نهند و حاضر به اظهار آن نیستند. این دسته اگر چه گروه اندکی از مردم شبه‌جزیره عربستان را تشکیل می‌دادند، اما آیات متعددی در قرآن به عقاید آنان اشاره می‌کنند. همین امر نشان می‌دهد که آنان دست‌کم از نظر فکری و عقیدتی جریان مهمی در عصر رسالت محسوب می‌شدند. اینان در واقع دهریون و مادیگرایان عصر رسالت بودند (عباسی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۶۷). آیه ۲۴ سوره جاثیه در اشاره به عقیده آنان می‌فرماید: «ما هیَ إِلَّا حَیَاتُنَا الدُّنْیَا نَمُوتُ وَ نَحْیَا وَ مَا یَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ؛ زندگی و حیاتی جز زندگی دنیا وجود ندارد که می‌میریم و زنده می‌شویم و جز روزگار ما را نابود نمی‌کند».

۲- مشرکان

مشرک اسم فاعل از ریشه شرک، در لغت به معنای مخلوط شدن مالکیت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۱). در اصطلاح قرآنی مشرک به شخصی اطلاق می‌شود که برای شخص یا شیئی وجودی مستقل در عرض خداوند قائل است و در اعمال خود سهم و نصیبی برای غیر خدا قرار می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۵۰/۶). بیشتر مردم شبه‌جزیره عربی زمان رسالت، مشرک بودند. اینان مهمترین گروه مخالف پیامبر اسلام ﷺ بودند که با وجود اعتقاد مبهم و ضعیف به الله دچار گونه‌هایی از چندگانه پرستی بوده و به بت‌ها و حتی برخی از اجرام آسمانی وابستگی اعتقادی شدید داشتند. مکه زادگاه پیامبر ﷺ در آستانه ظهور اسلام یکی از مراکز اصلی مشرکان بود. مشرکان مکه حتی خانه توحیدی کعبه را نیز تبدیل به بتکده کرده و قبایل مشرک عرب هر ساله از نقاط مختلف عربستان برای زیارت این بت‌ها به مکه می‌آمدند. شرک برای جامعه جاهلی عربستان پیش از اسلام دو کارکرد معرفتی و معیشتی داشت. شرک هم نظامی بود که مشرکان معرفت دینی خود را در چارچوب آن سامان می‌دادند و اعمال و مناسک مذهبی خود را بر وفق آموزه‌های آن انجام می‌دادند و هم زمینه امرار معاش مشرکان از راه تولید معابد و بتکده‌ها را فراهم می‌کرد (ناظمیان فرد و آهنگر دارابی، ۱۳۹۶: ۱۱۶). مشرکان شبه‌جزیره عربی و در رأس آن بزرگان قبیله قریش در مکه از روزهای آغازین رسالت پیامبر ﷺ تا هنگام فتح مکه در سال هشتم از هیچ تلاشی برای ضربه زدن به اسلام خودداری نکردند. شکنجه و آزار پیروان پیامبر ﷺ، تحریم اقتصادی و اجتماعی مسلمانان، جنگ و رویارویی نظامی و مانند اینها از جمله اقدامات جریان شرک علیه دعوت توحیدی پیامبر ﷺ بود.

۳- اهل کتاب

این اصطلاح بر گروه‌های دینی در شبه‌جزیره عربی اطلاق شده‌است که دارای کتاب آسمانی بودند. قرآن، یهودیان و مسیحیان را به صراحت و زرتشتیان و صابئان را به تلویح در زمره اهل کتاب می‌آورد (عباسی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۶۸). صابئان و زرتشتیان در عربستان اندک بودند و پیامبر ﷺ برخورد

چندانی با آنان نداشت؛ اما تعداد یهودیان و مسیحیان در عربستان نسبتاً زیاد بود. شهر نجران از پایگاه‌های مهم مسیحیان عربستان بود. یهودیان نیز در برخی نقاط عربستان مانند یثرب (مدینه) حضور چشمگیری داشتند. گویا نیمی از اهالی یثرب یهودی بودند و سه قبیله یهودی بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع ساکن این شهر بودند. برخی از روستاهای اطراف این شهر نیز یهودی‌نشین بودند (شهیدی، ۱۳۹۱: ۶۵).

۴- منافقان

منافقان گروهی بودند که با وجود اسلام ظاهری، در باطن ایمانی به اسلام نداشتند و در حالت تزلزل و تردید به سر می‌بردند. منافق در فرهنگ قرآن به کسی گفته می‌شود که گفتارش با آنچه که در دل دارد، متضاد است (سبحانی، بی‌تا: ۹/۴). به تعبیر قرآن ایشان بر کناره مسیر ایمان قرار گرفته و به قلمرو کفر نزدیک‌ترند و هرگاه نیکی و خوشی به آنها رسد، با اطمینان و سربلندی از دین دم می‌زنند و چون بدی و سختی به آنها رسد، از راه حق باز می‌گردند (حج/۱۱). اینان بعد از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و حکومت ایشان بر این شهر در جامعه اسلامی ظهور کردند و با کارشکنی و همراهی مخفیانه با دشمنان اسلام، مشکلاتی را برای پیامبر ﷺ و حکومت نو تأسیس او در مدینه پدید آوردند. دل‌نگرانی رسول خدا از جریان نفاق به مراتب بیشتر از دیگر جریان‌های مخالف بود. چنانکه ایشان در این باره فرمود: «من نسبت به امت خود، از مؤمن و مشرک نگرانی ندارم؛ چرا که مؤمن را خداوند به وسیله ایمانش از ضرر رسانیدن به امت منع می‌کند و مشرک را به وسیله شرکش به خواری می‌کشاند. زیرا چهره و دشمنی‌اش برای همه آشکار است، ولی بر شما از منافقی هراس دارم که خوش‌زبان و آگاه به سخن گفتن است؛ آنچه را شما نیک می‌شمارید، بر زبان جاری می‌کند و آنچه را شما زشت می‌دانید، عمل می‌کند» (تقی، ۱۴۱۰: ۱۵۷/۱).

راهبردها و راهکارهای پیامبر ﷺ در مواجهه با مخالفان

پیامبر اسلام در مواجهه با مخالفان خود با توجه به تفاوت جایگاه فکری و اجتماعی و همچنین تفاوت ماهیت اقدامات و کارشکنی‌های آنان، راهبردها و راهکارهای متنوعی را اتخاذ می‌کرد، تا هم توطئه‌های آنان علیه اسلام و مسلمین را خنثی سازد و هم بتواند دل‌های برخی از مخالفان خود را به اسلام متمایل کند. از مهمترین این راهبردها می‌توان به تعامل با مخالفان و تقابل با معاندان (دشمنان) اشاره کرد.

۱- تعامل با مخالفان

راهبرد اصلی رسول خدا در مواجهه با مخالفان، مدارا و تعامل با آنان بود. تا زمانی که مخالفان دست به توطئه جدی برای به خطر انداختن حیات اسلام و مسلمین نمی‌زدند، رسول خدا با آنان مدارا می‌کرد و آزار و اذیت آنان را بر خود و پیروانش تحمل می‌کرد. رفتار مهربانانه و ملاحظه‌آمیز آن حضرت تنها در

برخورد با پیروان خود نبود. بلکه وی در برخورد با همه مردم فارغ از عقیده آنان به مهربانی برخورد می کرد، به همین دلیل قرآن در توصیف رفتار آن حضرت فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷).

البته راهبرد مدارای پیامبر ﷺ مبتنی بر مهربانی و تحمل صرف نبود؛ بلکه ایشان سعی می کرد با روش ها و راهکارهای ملاحظت آمیز و اخلاق حسنه، قلوب مخالفان را به اسلام متمایل کند. این راهبرد یکی از عوامل اصلی پیشرفت سریع دعوت پیامبر ﷺ در شبه جزیره عربی بود. راضی (۱۹۹۰: ۱۹۴) در این باره می نویسد: « اگر این رفق و مدارا نبود، دل ها پیرامون او گرد نمی آمد و اگر این بردباری، حلم، رعایت عواطف، صمیمیت و تواضع با مردم نبود، هرگز این تأثیر در نفوس امکان پذیر نمی شد». طبرسی (۱۳۷۲: ۷۶/۵) نیز در تفسیر آیه ۷۳ سوره توبه^۱ می نویسد: این چنین نبود که پیامبر ﷺ با منافقان جنگ کند؛ بلکه سعی می کرد به هر نحو با آنها مدارا کند و رضایت آنها را جلب کند، چون منافقان تظاهر به کفر خود نمی کردند، بلکه تظاهر به ایمان می کردند و صرف علم خدای تعالی به کفر باطنی آنها، موجب قتل آنها نمی شود.

پیامبر ﷺ در راستای راهبرد تعامل با مخالفان، از راهکارهای گوناگونی برای جلب قلوب آنان به اسلام بهره می برد. از مهمترین این راهکارها می توان به موعظه، عفو و گذشت، جدال احسن، معاشرت نیکو با مخالفان و رعایت عدالت و مساوات اشاره کرد.

الف) موعظه

موعظه در لغت به معنای نصیحت، دعوت به بندگی و خشوع و بازداشتن از گناه همراه با خوف از سرانجام بدی هاست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۸۷۶). در اصطلاح به بیانی که نرمی نفس، پاکی قلب و اصلاح انسان را در پی داشته باشد، موعظه می گویند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲/۳۷۲). پیامبر ﷺ جهت موعظه از استدلال های فطرت پسند استفاده می کرد تا به این طریق مخالفان اسلام را برای پذیرش حقیقت آماده کند. یکی از راهکارهای رسول خدا با منافقین پند و اندرز دادن آنها بود. طبرسی (۱۳۷۲: ۳/۱۰۴) در تفسیر آیه ۶۳ سوره نساء^۲ از قول جبایی می نویسد: از قبول عذر آنها اعراض کن و آنها را پند بده و از سختی هایی که در صورت تکرار آن عمل دامنگیرشان می شود، آنها را بترسان. همچنین وی ذیل آیه ۹ سوره تحریم^۳ می نویسد: خداوند به پیامبر ﷺ فرمود: با منافقان با سختی که آنها را از کارهای زشت باز دارد، مبارزه کن نه با جنگ و ایشان هم هرگز با منافقی جنگ نکرد؛ بلکه به تألیف قلوب آنها پرداخت (همان، ۱۰/۴۷۸).

۱. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ.

۲. أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَاعْظُهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا.

۳. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا أُوَاهِمُ جَهَنَّمَ وَبُنَى الْمَصِيرِ.

ب) عفو و گذشت

عفو به معنای بخشیدن و درگذشتن از گناه کسی است (عمید، ۱۳۸۱: ۱۷۱۷). عفو به عنوان یکی از ارزش‌های والای انسانی و دینی مورد تأکید اسلام و برترین مکارم اخلاقی محسوب می‌شود. پیامبر ﷺ در تمام دوران رسالتش، مدارا و گذشت کرد. آن حضرت هیچ‌گاه، بدی را با بدی پاسخ ندادند و حتی ابوسفیانی را که از بزرگترین دشمنان او بود عفو کرد. این عفو و گذشت حتی شامل تمسخرکنندگان به قرآن و رسول ﷺ نیز می‌شد. طبرسی (۱۳۷۲: ۷۲/۵) در تفسیر آیه ۶۴ سوره توبه^۱ می‌نویسد: «در مراجعت آن حضرت از غزوه تبوک سه نفر یا چهار نفر او را مسخره می‌کردند. جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و ماجرا را خبر داد. رسول خدا عمار را خواست و به او فرمود: جبرئیل به من خبر داد این چند نفر من و قرآن را مسخره می‌کنند. اگر از آنها پرسی می‌گویند: سخن از راه سفر و سواره‌ها بود، عمار نزد آنها آمد و گفت: چرا می‌خندید؟ گفتند: سخن را از راه سفر و سواره‌ها بود، عمار گفت: خدا و رسولش راست گفتند. خدا شما رو بسوزاند که سوختید! آنان که این سخن را شنیدند، نزد پیغمبر ﷺ آمدند و عذرخواهی کردند. پیامبر نیز آنان را عفو کرد». طبرسی همچنین در تفسیر آیه ۱۰۹ سوره بقره^۲ آورده است: خداوند از رازهای پنهان پرده برداری کرد و فرمود: ای مؤمنان گروه زیادی از اهل کتاب از روی حسادت به پاداش و خیری که خداوند برای شما قرار داده، دوست دارند شما را از ایمان به کفر برگردانند. بعد خداوند می‌فرماید: البته شما عفو کنید و از آنان بگذرید (همان، ۳۵۳/۱).

ج) جدال احسن

واژه‌های «جَدَل»، «جدال» و «مجادله» از کلمه «جَدَل» گرفته شده‌اند که اولین معنای آن به شدت تابانیدن و بافتن ریسمان و امثال آن است. جدل در اصطلاح به معنای رفع فساد از سخن خصم با دلیل یا شبهه است (جرجانی، ۱۴۲۸: ۷۴). پیامبر ﷺ از این راهکار برای مواجهه با مخالفان اعم از منکران توحید و اهل کتاب بهره برده است. طبرسی (۱۳۷۲: ۴۵۶/۶) ذیل آیه ۱۷ سوره نحل^۳ می‌نویسد: پروردگار در پریشی جدال گونه، از منکران توحید می‌پرسد: آیا کسی که همه چیز را خلق کرد، برای پرستش مانند بت‌هایی است که قادر نیستند چیزی را خلق کنند؟ چگونه امکان دارد آنها مساوی باشند! ای منکران، چرا به خود نمی‌آیید و به اشتباه زشت خود پی نمی‌برید. همچنین وی در شأن نزول آیه ۱۲ سوره هود^۴ می‌نویسد: گروهی از رؤسای کفار نزد پیامبر ﷺ آمدند و گفتند: اگر پیامبر خدا هستی

۱. یَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزَأُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ.

۲. وَذَكِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَصُوا.

۳. أَقْمَنُ بِخَلْقِ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ.

۴. فَلَمَّا تَرَأَتْ نَارًا كَبُخًا مِنْ بَعْضِ آلِيكَ وَصَافِقُ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْ لَأَنْزَلَ عَلَيْهِ كَنْزًا أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِمَّا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ.

کوه‌های مکه را برای ما طلا کن و یا فرشتگانی را بیاور که نبوت تو را تصدیق کنند. خدای سبحان در این آیات پیامبر ﷺ را به استقامت و ثبات در مقابل دشمنان مأمور کرد و دستور داد تا با آنها احتجاج کند: به سبب سخنان اینان دل‌تنگ نشو. تو فقط بیم دهنده‌ای و خدا بر هر چیز نگهبان است. همچنین وی ذیل آیه ۱۶ سوره رعد^۱ می‌نویسد: هر چند این عبارت به صورت استفهام آمده، اما هدف توییح است. سپس به این مطلب اشاره می‌کند که شما بت‌هایی را اولیای خود می‌دانید که اختیار سود و زیان خویش را ندارند و کسی که اختیار سود و زیان خود را ندارد، قطعاً نمی‌تواند مالک سود و زیان دیگران باشد. لذا نباید چنین کسی را پرستش کرد. آیا خداوند، رب آسمان‌ها و زمین نیست؟ پس چرا به جای پروردگار اولیای دیگری برای خود انتخاب کرده‌اید؟ سپس پروردگار می‌فرماید: به آنها بگو همان طوری که فرد کور و فرد بینا باهم مساوی نیستند، کسانی که ایمان دارند هم با کسانی که ایمان ندارند، برابر نیستند. زیرا اعمال و رفتار فرد با ایمان از روی بصیرت و آگاهی است و اعمال کافر از روی بی‌بصیرتی و عدم آگاهی است. چرا که کسی را مورد پرستش قرار می‌دهد که مالک سود و زیانش خودش نیست (همان، ۴۳۷/۶).

قرآن کریم چندبار جدال احسن با اهل کتاب را نیز ذکر کرده است. طبرسی (۱۳۷۲: ۴۴۹/۸) در تفسیر آیه ۴۶ سوره عنکبوت^۲ می‌نویسد: با اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مگر به بهترین شیوه مجادله نکنید تا بتوان آنها را قانع و پذیرای سخن خود کنید. «مجادله احسن» آن است که سبب خیرخواهی و نفع رساندن، با مدارا و نرمش انجام گیرد. «الاحسن» عبارت از بالاترین و بهترین مناظره‌ای است که از نظر عقلی طرف را وادار به پذیرفتن کند و یا اینکه چنان موافق طبع انسانی فرد باشد که او بپذیرد. البته ممکن است هر دو معنی مقصود باشد. در این آیه اشاره شده است که ارشاد جامعه و دعوت مردم بسوی پروردگار باید با بهترین وجه و زیباترین نحو و با نرمش باشد تا موجب آگاهی آنان به نشانه‌های پروردگار و ایمان به او شود.

د) معاشرت نیکو با مخالفان

در سیره رسول اکرم در مواجهه با مردم و حتی مخالفین، اصل بر صلح طلبی و برخورد دوستانه است. طبرسی (۱۳۷۲: ۸۵۳/۴) در تفسیر آیه ۶۱ سوره انفال^۳ می‌نویسد: اگر آنها به ترک جنگ و آشتی کردن، تمایل نشان دادند، تو هم تقاضای صلح آنان را بپذیر و به خداوند توکل کن. پیامبر ﷺ در برخورد با مخالفان خویش و به‌ویژه اهل کتاب که قرابت‌های فکری و فرهنگی بیشتری با مسلمانان داشتند، با مدارا رفتار می‌کرد و با آنان زندگی مسالمت‌آمیزی داشت. قرض گرفتن (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۳۵)،

۱. قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ يَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ.

۲. وَلَا تَجَادَلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ.

۳. وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

عیادت از بیماران (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۴۰۷/۵) و شرکت در تشیع جنازه آنان از جمله برخوردهای رسول خدا با غیرمسلمان مخالف نبوت خود به‌ویژه اهل کتاب مدینه بود (مغربی، ۱۳۸۵: ۴۶۰/۲).

ه) رعایت عدالت و مساوات

رفتار پیامبر ﷺ با همه مردم جامعه اعم از مسلمان و غیرمسلمان، بر مبنای اصل محوری اسلام یعنی رعایت عدالت و مساوات بود. رعایت اصل عدالت در برخورد با مردم طبق آیه ۵۸ سوره نساء^۱، یک امر بی‌قید و شرط است. در شهر مدینه علاوه بر مسلمانان، گروه‌های غیرمسلمان به‌ویژه یهودیان فراوان بود. پیامبر ﷺ حقوق اجتماعی آنان را رعایت می‌کرد و حتی در قضاوت بین آنان و مسلمانان بر اساس عدالت و بدون جانبداری رفتار می‌کرد. طبرسی (۱۳۷۲: ۳۰۴/۳) در تفسیر آیه ۴۲ سوره مائده^۲ از قول ابن عباس می‌نویسد: مقصود آیه یهودیانی است که برای تعیین حکم زنا نزد پیامبر ﷺ آمده بودند و خداوند او را مخیر ساخت که حکم کند یا نکند. بعد می‌فرماید: اگر از حکم میان آنها خودداری کنی، آنها قادر نیستند که به دین یا دنیای تو ضرری برسانند. بنابراین اگر خواستی از آنها اعراض کن؛ اما اگر خواستی میان آنها حکم کنی، به عدالت حکم کن، خداوند عادلان را دوست می‌دارد. این آیه به رفتار عادلانه برخورد با اهل کتاب که خواستار قضاوت اسلامی هستند، توصیه می‌کند به گونه‌ای که حتی اگر یک طرف دعوا مسلمان باشد، نباید به سود او حکم ناعادلانه صادر کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴۹۱/۲۲).

۲- تقابل با معاندان

اگرچه رسول خدا آزار و اذیت‌های گاه و بیگاه مخالفان اسلام در حق خود و یارانش را تا حد امکان تحمل کرد با وجود این او سعی می‌کرد با آنان مدارا کند و حتی با روش‌های مسالمت‌آمیز، آنان را از اقدامات خود باز دارد. اما ایشان نمی‌توانست نسبت به آن دسته از مخالفان اسلام که همواره در صدد توطئه علیه اسلام و مسلمین بودند و در سر نقشه‌هایی می‌پروراندند تا اساس و موجودیت اسلام را از بین ببرند، بی‌تفاوت باشد. لذا آن حضرت برای حفاظت از کیان اسلام و مسلمین و ترساندن مخالفین از عواقب توطئه‌های خود، مجبور بود در مقابل توطئه‌های برخی از دشمنان خویش، شدت عمل به خرج بدهد. از مهمترین راهکارهای رسول خدا در راستای راهبرد تقابل با دشمنان می‌توان به انذار، عدم سازش با کافران، نهی از دوستی صمیمانه با غیرمسلمانان، پرهیز از پیروی از اهل کتاب و جنگ و قتال با دشمنان اشاره کرد.

۱. إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِكُمْ أَنَّ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ.

۲. سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاؤَكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تَعَرَّضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ بِحُبِّ الْمُقْسِطِينَ.

الف) انذار

یکی از راهکارهای پیامبر ﷺ برای مواجهه با مخالفان توطئه‌گر، انذار و ترساندن آنان از عواقب کارهای خویش است. پیامبر ﷺ در راستای راهکار انذار علاوه بر وعده عذاب‌های اخروی، وعده مجازات دنیوی نیز به برخی از آنان می‌دادند. وقتی منافقان کارشکنی‌های خود علیه پیامبر ﷺ را به اوج رساندند و در صدد همکاری با یهودیان برآمدند که در جنگ مستقیم با پیامبر ﷺ بودند (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۶۸/۲)، آیه ۹ سوره تحریم بر پیامبر ﷺ نازل شد و خداوند در پایان آن تأکید کرد: «وَ اَغْلَظْ عَلَیْهِمْ» یعنی بدون دوستی و محبت به آنها سخت بگیر (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۷۸/۱۰). اگر پیامبر ﷺ در آن زمان هم با منافقان مدارا می‌کرد، بیم آن می‌رفت که منافقان با وسوسه‌های خود روحیه مسلمانان را تضعیف کنند و باعث تسلط مخالفان اسلام (مشرکان و یهودیان) بر مدینه شوند، لذا پیامبر ﷺ طبق دستور قرآن سیاست مدارا با آنان را کنار گذاشت و بر آنان سخت گرفت، تا توطئه آنان را خنثی کند (حسینی، ۱۳۹۷: ۴۵). طبرسی (۱۳۷۲: ۱۰۴/۳) در تفسیر آیه ۴ سوره نساء^۱ از قول جبایی می‌نویسد: خداوند از شر و نفاق و خیانت آنان (منافقان) با خبر است از آنان روی برتاب و پندشان ده و بگو: اگر نفاق قلبی خود را آشکار کنید، کشته خواهید شد، از قبول عذر آنها اعراض کن و آنها را پند بده و از سختی‌هایی که در صورت تکرار آن عمل دامنگیرشان می‌شود، آنها را بترسان.

ب) عدم سازش با کافران

پیامبر ﷺ همواره بر حفظ اصول اساسی عقاید و باورهای خود تأکید می‌کردند و تحت هیچ شرایطی (فشار یا خوشایند مخالفان) حاضر به کوتاه آمدن از اصول عقیدتی و دینی خود نبود و در این راه کوچکترین نرمش و سازشی نمی‌کردند. خداوند در سوره کافرون برای همیشه آنان را مأیوس کرد و از اینکه آن حضرت در برابر خواسته‌هایشان روی خوش نشان دهد، آنان را ناامید کرد. خداوند با صراحت در برابر مخالفت‌هایی که متوجه اصول اعتقادی مانند توحید و معاد می‌شد، پیامبر ﷺ را از اطاعت و همراهی با کافران نهی کرد (شجاع، ۱۳۹۷: ۶۸). طبرسی (۱۳۷۲: ۵۰۱/۱۰) ذیل آیات ۸ و ۹ سوره قلم^۲ می‌نویسد: کافران به پیامبر ﷺ پیشنهاد کردند که از تعرض به خدایان آنها کوتاه بیایند و احياناً با آنان موافقت کند تا آنها نیز در مقابل به پرودگار حضرت متعرض نشوند؛ خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد از تکذیب کنندگان خداوند و منکران نبوت اطاعت نکند. یعنی کفار دوست دارند که تو در دینت با آنها نرمش، مدارا و مدهانه کنی تا آنها هم در دین خود با تو نرمی و مدهانه کنند؛ اما تو از آنان اطاعت مکن.

۱. اُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَ عَظَّمَهُمْ وَ قُلَّ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا.

۲. فَلَا تَطْعِ الْمُكَذِّبِينَ وَذُوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ.

ج) نهی از دوستی صمیمانه با غیرمسلمانان

رسول خدا با غیرمسلمانان به‌ویژه اهل کتاب معاشرت نیکویی داشت و حقوق انسانی آنها را رعایت می‌کرد. او به عیادت بیماران آنان می‌رفت و در تشییع جنازه اموات آنان شرکت می‌کرد و مسلمانان را نیز به معاشرت نیکو با آنان تشویق می‌کرد؛ اما این معاشرت نیکو به این معنا نبود که رابطه مسلمانان با آنان هیچ حد و مرزی نداشته باشد. زیرا ممکن بود در نتیجه درآمیختگی بی حد و مرز مسلمانان با آنها برخی از عقاید باطل آنان در بین مسلمانان نهادینه و موجب انحراف فکری و عقیدتی مسلمانان شود. همچنین ممکن بود غیرمسلمانان با صمیمی شدن بیش از حد با برخی مسلمانان، آنان را با خود همراه کرده و از توان آنان علیه پیامبر ﷺ و اسلام استفاده کنند. از این‌رو پیامبر ﷺ ضمن توصیه به رفتار دوستانه و مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان به خصوص اهل کتاب، مسلمانان را از اختلاط بیش از حد و صمیمت افراطی با آنان نهی می‌کرد و به مسلمانان گوشزد می‌کرد، آنها مخالف عقیده شما هستند و ممکن است در صدد توطئه علیه دین و عقیده شما برآیند. به همین علت برخی آیات قرآن بر نهی دوستی با اهل کتاب تأکید دارند. برای نمونه خداوند در آیه ۵۱ سوره مائده در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». طبرسی (۱۳۷۲: ۳۱۹/۳) در تفسیر این آیه می‌نویسد: «خداوند دستور می‌دهد که مسلمانان با یهودیان و مسیحیان دوستی نکنند و از آنها کناره‌گیری کنند. همچنین خدا می‌فرماید: ای مؤمنان به یهودیان و مسیحیان اعتماد نکنید و از راه دوستی از آنها کمک نخواهید». پیامبر ﷺ نیز ضمن مدارا و تحمل منافقان مدینه، مسلمانان را از دوستی و رفاقت با آنان نهی می‌کرد. طبرسی از قول ابن عباس در این باره می‌نویسد: زید بن تابوت و سوید بن حرث، اظهار اسلام کردند؛ ولی در صف منافقان قرار داشتند. گروهی از مسلمانان با آنها دوستی می‌کردند. از این‌رو آیه نازل شد که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا»، با کسانی که در باطن کافر و به زبان اظهار ایمان می‌کنند دوست نشوید (همان، ۳۲۸/۳).

مرزبندی عقیدتی مسلمانان با غیرمسلمانان در قبال مشرکین برای رسول خدا اهمیت بیشتری داشت به طوری که قرآن صراحتاً پیامبر ﷺ و مؤمنان را از طلب استغفار برای مشرکین ولو اینکه از خویشان و اقوام مؤمنان باشند، منع کرده است. طبرسی (۱۳۷۲: ۱۱۶/۵) ذیل آیه ۱۱۳ سوره توبه^۱ می‌نویسد: پیامبر ﷺ و مؤمنین برای کسانی که مشرک به خداوند هستند، هر چند این اشخاص نزدیک‌ترین افراد به آنان باشند، نباید برای آنان طلب آمرزش و مغفرت کنند. وی سپس در شأن نزول آیه می‌نویسد: گروهی از مسلمانان به رسول خدا عرض کردند: آیا برای پدران ما که در زمان جاهلیت مرده‌اند طلب آمرزش نمی‌کنی؟ پس خدای سبحان این آیه را نازل کرد که برای پیامبر ﷺ و مؤمنان سزاوار نیست

۱. مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ.

که برای کفاری دعا و طلب مغفرت کنند.

د) پرهیز از پیروی از عقاید غیر مسلمانان

دین اسلام و رسول اکرم ضمن تأکید بر احترام بر عقاید دیگران و به‌ویژه عقاید اهل کتاب، مسلمانان را از دنباله‌روی و پیروی از عقاید کفار، اهل کتاب و مانند اینها برحذر داشته است، تا ضمن جلوگیری از انحراف عقیدتی مسلمانان، مانع تسلط فکری و فرهنگی غیرمسلمانان بر مسلمانان شود. به همین دلیل آیاتی در نهی پیروی از عقاید کفار و اهل کتاب آمده است. خداوند در آیات متعدد مسلمانان را از پیروی کافران برحذر می‌دارد و به صورت مطلق از اطاعت و پیروی آنان نهی می‌کند (برای نمونه آیه «وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنافِقِينَ وَ دَعَاؤُهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً»، احزاب/۴۸). طبرسی (۱۳۷۲): ۵۶۹/۸) ذیل این آیه می‌نویسد: از کفار و منافقین پیروی نکن و اعتنائی به آزارهای آنها نکن. بر خدا توکل کن که خدا حامی و مدافع تو است؛ «وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً»، یعنی خدا کافی و متکفل است به آنچه به او اسناد داده شده است.

این قاعده درباره عقاید اهل کتاب نیز صادق است. طبرسی در تفسیر آیه ۱۴۵ سوره بقره ذیل «وَلِيِّنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ» می‌نویسد: در معنای آن چهار قول است: قول اول از حسن و زجاج که می‌گوید: در این خطاب خود شخص پیامبر اسلام ﷺ مراد نیست بلکه این تهدید متوجه امت اسلام است که بدانند، پیروی از یهود و نصاری موجب استحقاق عذاب است. قول دوم از جبائی که می‌گوید: منظور این است که ای پیامبر ﷺ اگر از روی مدارا از هوس‌های اهل کتاب پیروی کنی، به این امید که آنها به تو ایمان بیاورند. در این صورت به خودت ظلم کرده‌ای. زیرا ما به تو اعلان کرده‌ایم که آنها هرگز به تو ایمان نخواهند آورد. عده‌ای نیز می‌گویند: خداوند خواسته است با این بیان، فساد عقیده آنها را به طور صریح بیان کند؛ اینکه مذهب آنان به اندازه‌ای فاسد و بی‌اساس است که هر کس از آن تبعیت کند، جزو ستمکاران خواهد بود. در قول چهارم، قاضی می‌گوید: خداوند با این بیان پیغمبر اسلام ﷺ را نهی می‌کند که به آنها اعتماد و با آنها معاشرت نکند تا آن حضرت و پیروانش در مخالفت با یهود و نصاری ثابت قدم باشند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۴۲۲).

ه) جنگ و قتال با دشمنان

جنگ و قتال با دشمنان اسلام آخرین راهکار رسول خدا برای مواجهه با توطئه‌های مخالفین اسلام و مسلمانان است. هنگامی که دشمنان اسلام علیه اسلام و رسول خدا عملیات مسلحانه و جنگ علنی می‌کردند و به دنبال غلبه نظامی بر مسلمانان بودند، پیامبر ﷺ نیز دستور جهاد و قتال می‌داد. به گواهی تاریخ تمامی غزوات رسول خدا در واکنش به اقدامات جنگ طلبانه دشمنان اسلام بوده و یا لاقابل جنبه پیش‌دستانه داشته است و آن حضرت هیچگاه آغازگر جنگی نبوده‌اند. برای نمونه سه غزوه بزرگ بدر، احد و خندق برای دفع حملات مشرکان مکه و متحدان آنان به شهر مدینه صورت گرفته است

(زرگری نژاد، ۱۳۹۳: ۳۷۳، ۴۱۰، ۴۴۶). فتح مکه نیز در واکنش به شکستن مفاد صلح حدیبیه و کشتار برخی از متحدان پیامبر ﷺ توسط مشرکان مکه انجام گرفت (همان، ۵۲۶). جنگ‌های آن حضرت با یهودیان مدینه نیز زمانی انجام شد که طوایف یهود ساکن این شهر، مفاد پیمان سازش با مسلمان را زیر پا گذاشتند و به توطئه علیه مسلمانان، قتل پیامبر ﷺ و حتی همکاری با مشرکان قریش برای استیلا بر مدینه اقدام کردند (همان، ۳۹۶، ۴۳۸، ۴۵۷). نبرد موته و غزوه تبوک نیز به منظور دفع حملات سپاهیان امپراتوری روم شرقی به مرزهای شمالی شبه جزیره عربی صورت گرفته است (سبحانی، بی تا: ۹۳۴؛ یزدی، ۱۳۹۳: ۳۳۰). طبرسی (۱۳۷۲: ۳۴/۵) در تفسیر آیه ۲۹ سوره توبه^۱ می نویسد: «این آیه وقتی نازل شد که رسول خدا دستور جنگ با رومیان را صادر کرد و به دنبال آن به جنگ تبوک رفتند. «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ» یعنی با آنان که به یگانگی خداوند و برانگیخته شدن در روز جزا اعتقاد ندارند جنگ کنید». وی در ادامه می نویسد: «وَ لَا يَحْرَمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»، به دومین صفت آنها اشاره می کند که آنها در برابر محرّمات الهی تسلیم نیستند و آنچه را که خدا و پیامبرش تحریم کرده، حرام نمی شمارند. سپس می آورد: «وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ»، به سومین صفت آنها اشاره کرده، یعنی آنها به طور کلی آئین حق را قبول ندارند. خداوند با عبارت «مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ»، فرمود که منظور از اهل کتاب همان یهود و نصاری هستند. «حَتَّى يَغْطُوا الْجُزْيَةَ عَنْ يَدٍ» یعنی - با آنان جنگ کنید - تا شخصاً جزیه را به دست خود بپردازند. و جمله «وَ هُمْ صَاغِرُونَ» یعنی در حال خواری و مغلوبیت آنها را به اجبار به جایگاه پرداخت جزیه ببرند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۴/۵). همچنین وی در تفسیر آیه ۲ سوره حشر^۲ می نویسد: اوست آن خدایی که کسانی از اهل کتاب را که کافر شدند یعنی یهود بنی نضیر را تبعید و از خانه هایشان بیرون کرد، مؤمنین را بر آنان مسلط کرد و فرمان داد به پیامبر ﷺ که یهود را از منازل، قلعه ها و وطنشان بیرون کنند. و اینکه فرمود «أَوَّلَ الْحَشْرِ»، برای آن است که خداوند در اول مرتبه ای که پیامبرش با آنها جنگ کرد، فتح و ظفر را نصبش کرد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۳۶/۹).

نتیجه

شیوه های تعامل و تقابل رسول خدا با مخالفان و دشمنان، یکی از مباحث بحث برانگیز تاریخ اسلام بوده است. در دوره معاصر به دلیل ورود پژوهشگران غیرمسلمان به ویژه مستشرقان اروپایی به مباحث تاریخ اسلام، این مسئله بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که برخی با نگاه گزینشی به سیره پیامبر ﷺ، به ایشان اتهام جنگ طلبی زده و دین اسلام را به خشونت گرایی متهم کرده اند. با مراجعه به منابع دست اول تاریخ اسلام به ویژه آیات قرآن کریم، تفاسیر و روایات مرتبط با آن آیات

۱. قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا يَحْرَمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يَغْطُوا الْجُزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ.

۲. هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ.

مشخص می‌شود که آن حضرت در مواجهه با مخالفین و دشمنان خود، روش یکسانی نداشته و بر اساس شناخت دقیق آن حضرت از ماهیت اقدامات مخالفان، واکنش‌هایشان نیز متفاوت بوده‌است. این پژوهش با تکیه بر تفسیر مشهور مجمع البیان، واکنش‌های رسول خدا را در برابر مخالفان و دشمنان، بر اساس دو راهبرد اصلی تعامل با مخالفان و تقابل با معاندان (دشمنان) تبیین کرده است. در راهبرد اول حضرت با مخالفانی که از نظر فکری و عقیدتی با ایشان مخالف بودند، اما در صدد توطئه و دشمنی آشکار علیه اسلام و مسلمانان بر نمی‌آمدند، سلوک دوستانه‌ای داشته و با آنان با مدارا و مهربانی برخورد می‌کرد. البته ایشان به مدارا و مهربانی صرف بسنده نکرد و سعی کرد تا با راهکارهای ملاحظت‌آمیز، قلوب اینان را به اسلام و خویش متمایل کند. موعظه، عفو و گذشت، جدال احسن، معاشرت نیکو، رعایت عدالت و مساوات در برخورد با آنان از جمله راهکارهای آن حضرت در برخورد با مخالفان فکری و عقیدتی خویش بوده‌است. در راهبرد دوم رسول خدا با توجه به دشمنی آشکار و توطئه‌های علنی برخی مخالفان، برای حفظ کیان اسلام و امنیت مسلمین واکنش‌های تندتری نشان دادند و درصدد مقابله با توطئه‌های دشمنان و مجازات معاندان برآمدند. انذار، عدم سازش با کافران، نهی از دوستی صمیمانه با غیرمسلمانان، پرهیز از پیروی از غیرمسلمانان و در نهایت جنگ و قتال با دشمنان اسلام از جمله راهکارهای رسول خدا در راستای راهبرد تقابل با دشمنان اسلام بوده‌است.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۹)، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دارالفکر.
- ابن طاووس، احمد بن موسی (۱۴۱۱)، بناء المقالة الفاطمية فی نقض الرسالة العثمانیه، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵)، السيرة النبوية، قاهره، مکتبه الحلی.
- آقا بزرگ تهرانی، محمدحسن (۱۴۰۳)، الذریعة إلى تصانیف الشیعه، بیروت، دار الأضواء.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۱۰)، الفارات، تحقیق عبدالزهراء حسینی، قم، دارالکتب الاسلامی.
- جرجانی، سید علی بن محمد (۱۴۲۸)، تعریفات، بیروت، دار المعرفه.
- جلائی نوبری، حسین و دیگران (۱۳۹۷)، «گونه شناسی رفتاری پیامبر اسلام با مخالفین در مکه و مدینه»، پژوهشنامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی، دوره ۲، شماره ۱۳، زمستان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء.
- حسینی، غلامحسین (۱۳۹۷)، «پیامبر مدارا و قاطعیت»، مجله منطق، کلام و فلسفه اسلامی، شماره ۱۴ و ۱۵، تابستان.
- خوانساری موسوی، میرزا محمد (۱۳۹۰)، روضات الجنات، تهران، اسماعیلیان.
- راضی، عبداللطیف (۱۹۹۰)، الحركی فی القرآن، بیروت، دارالمنتدی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق و تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۳)، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت.
- سبحانی، جعفر (بی تا)، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- سلامی، مژگان (۱۳۹۵)، «بررسی شیوه برخورد پیامبر با منافقین»، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، دوره اول، شماره ۲، تابستان.
- شجاع، محمد (۱۳۹۷)، «نقش اخلاق اجتماعی پیامبر با کفار و مشرکان در گسترش دین اسلام»، مطالعات حدیث پژوهی، شماره ۶، پاییز و زمستان.
- شلتوت، محمود (۱۳۷۰)، «معرفی تفسیر مجمع البیان»، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشکوه، شماره ۳۰، تابستان.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۹۱)، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی محلاتی، تهران، ناصرخسرو.

- عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۸۹)، «روش‌شناسی برخورد پیامبر ﷺ با مشرکان و اهل کتاب»، نشریه فلسفه دین، سال هفتم، شماره ۶، تابستان.
- عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، تحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام، قم، مؤسسه آل البيت.
- میریان، سیداحمد و همکاران (۱۳۸۹)، «سیره مدیریتی پیامبر ﷺ در مواجهه با اهل کتاب»، تحقیقات مدیریت آموزش، سال دوم، شماره دوم، زمستان.
- ناظمیان فرد، علی و سمیه آهنگر دارابی (۱۳۹۶)، «پیامبر و مشرکان: از چالش معرفت تا چالش هویت»، مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال نهم، شماره ۳۳.
- نصیری فقیر سمیعی، فرهاد (۱۳۹۵)، «رابطه استراتژی (راهبرد) با تاکتیک (راهکار)»، نشریه مهندسی مدیریت، سال هشتم، شماره ۶۵، خرداد و تیر.
- یزدی، علی محمد (۱۳۹۳)، سیره پیامبر ﷺ در برابر مخالفان از زبان قرآن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.